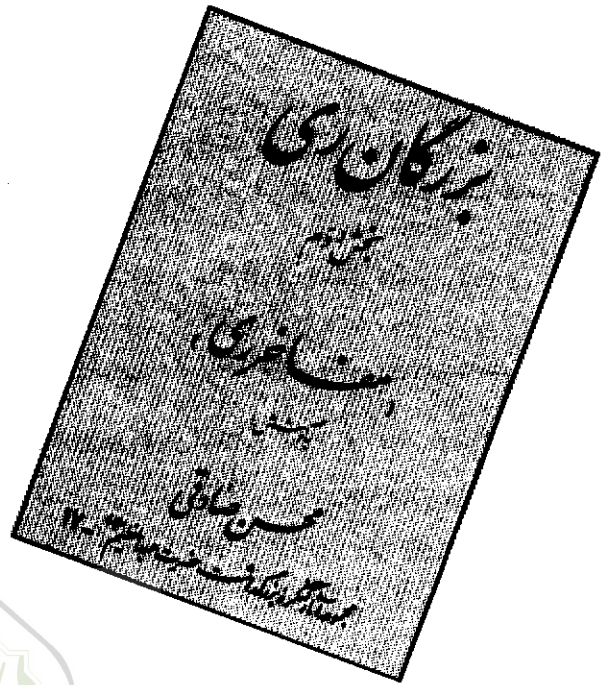


# بزرگان ری

علی مختاری



احادیث و اخبار و فقیهان و رجال دیگر شؤن معارف اسلامی، برخاسته اند، در هیچ شهری به وجود نیامده اند. «با این حال، چون تاکنون کسی در مقام جمع آوری نام و بیان احوال ایشان بر نیامده و در مجموعه ای یکجا فراهم نیاورده است، نسل حاضر این همه را از کثرت ایشان - که خود مایه سرافرازی بسیار و افتخار مردم این دیار توانند بود - خبری به دست نیست. «جام جم و نگین سلیمان به سال ها در کیسه تو بود و تو خود بی خبر از آن»<sup>۱</sup>

بزرگان ری به کوشش محسن صادقی، ۲ جلد، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم حسنی، ۱۳۸۲.

## قدمت ری

قدمت ری با قدمت تاریخ نژاد آریا همراه و یکی از کهن ترین مراکز باستانی ایران است که نامش در اوستا و کتیبه بیستون (قرن ششم پیش از میلاد) آمده است.<sup>۳</sup> عمر سفال های به دست آمده از این شهر کهن را میان چهار هزار تا شش هزار سال پیش دانسته اند. کهن بودن ری نزد عالمان و ارباب مسالک قرون اسلامی نیز مسلم است. آنان نمی دانسته اند گنج هایی که در آن خطه به دست می آمد، مربوط به چه زمان و عهد کدام سلطان است.<sup>۴</sup> چنان که در آثار البلاد قزوینی - تألیف ۶۷۴ - آمده است:

«... والناس یحفرون بها، یجدون جواهر نفیسة و قطاع الذهب، و بها کنوز فی کل وقت یظهر منها شیء، لآنها مازالت موضع سریر الملک؛ و فی سنة اربع عشرة وست مائة فی زمن

## پیشینه ری

مرحوم استاد کریمان درباره رجال ری می نویسد:

«گویا در جهان، شهری نتوان یافت که در توالی اعصار و قرون به میزان ری در دامن خود رجال بزرگ دینی و سیاسی و علمی پرورش داده و بزرگانی نام آور از حکمت دانان و فیلسوفان و فقیهان و حافظان حدیث و شاعران و ادیبان و مشایخ و اقطاب و اهل خیر و صلاح به جهان بشریت عرضه کرده باشد.»

«زردشت را گروهی، از ری دانسته اند. مغان را محققان به ری نسبت داده اند، دودمان مصمغان - که قرن ها در حدود دماوند حکومت داشتند - بدان پهنه منسوبند، مرکز تعلیم معارف زردشت و مغان - که ارسطو و دیگر شاگردان افلاطون بدان بی توجه نبودند و برخی حکمت فیثاغورت را مأخوذ از آن دانسته اند - ری بوده است.»<sup>۱</sup>

«به عهد اسلامی نیز ظاهراً پس از یکی دو شهر، بدان شمار که از ری - یا پهنه فعلی تهران - دانشمندان و متفکران و روات

۱. ر. ک: کریمان، ری باستان، باب دوم، فصل اول «در مذهب مردم ری».  
 ۲. همان، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.  
 ۳. محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه «ری».  
 ۴. ر. ک: ری باستان، ج ۲، ص ۹۰ و ۹۱.

اغدَس ظَهْر بَهَا حِجَابِ كَان فِيهَا دَنَانِيرٌ عَجِيبَةٌ، وَلَمْ يَعْرِفْ أَنَّهُا  
ضَرَبَ أَيَّ مَلِكٍ ...<sup>۵</sup>

### دیربازی تباری

این حقیقت، که نخستین بنیان گذار ری را - به اختلاف - هوشنگ پسر کیومرث، کیخسرو پسر سیاوش، شیث پیغمبر (ع) و چند تن دیگر که شخصیت یا زمان آنها به کلی بر ما مجهول است - دانسته اند خود دلیلی بین بر بُعد عهد پیدایی این کهن شهر تواند بود.<sup>۶</sup>

### طلوع اسلام

این شهر به سال ۲۰ یا ۲۳ هجری - پس از جنگ نهاوند - نفوذ و حاکمیت اسلامی را پذیرفت.<sup>۷</sup> مسلمانان، دین خود را بر ساکنان شهر تحمیل نکردند و رازیان زردشتی با حکومت اسلامی صلح کردند، به شرط آن که آنان مقررات دولتی را - که معمولاً خراج و جزیه نامیده می شود - رعایت کنند و از طرفی در کیش خویش بمانند و آتشکده ایشان دائر باشد؛ ولی روزانه مردم با اسلام آشنا تر می شدند و از شمار زردشتیان کاسته می شد.

در اوایل امر - که هنوز فرقه گرای و تشعب دینی دوره عباسیان پدید نیامده بود - مسلمانان ری از دربار خلافت امویان اطاعت می کردند و به آنان تمایل نشان می دادند و بر طریقه سنت دربار امویان رفتار می کردند. و اندک اندک اهل جماعت ری در فقه به حنفی و شافعی و در کلام، به جبر و اعتزال و ... روی آوردند. باری زمانی که پاره ای از رجال دینی در مذهب ابوحنیفه و شافعی خلافت کردند، همانند ابوالحسن اشعری، حسین نجار، عبدالله کرام، عمرو بن عبید معتزلی، جهم بن صفان و غیرهم و جمعی در اصول و کلام به طریق ایشان درآمدند و در سراسر جهان اسلام فرقه های فراوانی پدید آمد، مسلمانان ری نیز انشعاب یافتند و فرقه هایی منتسب به سه شیعه اصلی شیعه، حنفی و شافعی به وجود آمد.<sup>۸</sup>

### تشیع دوری

ورود تشیع به ری نیز مربوط به قرن اول هجری است و همزمان با ظهور و نمود مذاهب، در کنار شافعی و حنفی در ری نمایان شده است. استاد دکتر حسین کریمان، گوید: «نمی توان سخن یاقوت را که ظهور تشیع را به ۲۷۵ و به دست احمد حسن ماردانی دانسته است، صحیح دانست و مدت ها پیش تر از این تاریخ، در ری، شیعه بوده است ...»<sup>۹</sup>

آن گاه دلایل متقن و متعددی بر اثبات این نظر ارائه می دهد.

از جمله:

«استیلاي احمد مارداني بر ری به عهد حضرت امام حسن

عسکری (ع) بود، در صورتی که مدت ها پیش از این تاریخ، یعنی از زمان امام باقر (ع) (متولد ۵۷ یا ۵۹ هجری و متوفای ۱۱۷ هـ) به بعد، گروهی از مردم ری جزو صحابه و حواریان امامان (ع) بوده اند ... این مهم، خود مسلم می سازد که تشیع سال ها قبل از تاریخی که یاقوت گفته در ری راه یافته بوده است.»

«در احوال حضرت عبدالعظیم نوشته اند: هنگام توقف در ری قبری را که به نزدیکی قبر وی است (امامزاده حمزه) زیارت می کرد و می فرمود: این قبر یکی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر (ع) است.»

«نیز نوشته اند: حضرت عبدالعظیم هنگام ورود به ری در سکه الموالی در منزل یکی از شیعیان وارد شد. و خبر ورود او به تک تک شیعیان ری می رسد تا آنکه اکثر شیعیان، وی را شناختند ...»<sup>۱۰</sup>

### اهمیت ری در دوران اسلامی

موقعیت ژئوپلتیک ری که مسیر ارتباطی تمدن های شرق و غرب از آن می گذشت و چهارراه ارتباطی سرزمین های خلافت بود، سبب رونق تجارت، انباشت ثروت و آبادانی و اهمیت این شهر می شد.<sup>۱۱</sup>

مهدی عباسی - در عهد خلافت منصور دوانیقی (سال ۱۸۵ ق به بعد) - در کنار ری قدیم، شهری بنا کرد و برای آن، مسجد جامع ساخت و بر دور آن، خندق حفر کرد و آن را «محمدیه» نامید.

در کمتر از نیم قرن، محمدیه، جای شهر ری قدیم را گرفت؛ ولی نام «ری» تغییر نکرد و به محمدیه مشهور نشد.<sup>۱۲</sup>

تعبیرهای جغرافی دانان اسلامی در توصیف شکوه و عظمت این شهر، موقعیت و میزان اهمیت این شهر را می نماید. از جمله گفته اند: عروس شهرها<sup>۱۳</sup>؛

آبادترین، پر نعمت ترین و پر عمارت ترین شهر مشرق، بزرگ ترین شهر مشرق بعد از نیشابور؛<sup>۱۴</sup>

۵. آثار البلاد، ص ۲۷۵.

۶. ری باستان، ج ۲، ص ۹۰؛ نیز ر. ک: ج ۱، ص ۶۹-۷۲.

۷. برای شرح و تفصیل این نکته ر. ک: ری باستان، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۶۱.

۸. ر. ک: ری باستان، ج ۲، ص ۴۲ به بعد؛ باب ۲، فصل ۲.

۹. همان، ج ۲، ص ۵۰.

۱۰. ری باستان، ج ۲، ص ۵۰-۵۱ با اختصار.

۱۱. مختصر کتاب البلدان؛ ابن فقیه، افست از طبع لیدن، دار صادر، بیروت، ۱۳۰۲ ق، ص ۲۷۰-۲۷۱.

۱۲. بلاذری، فتح البلدان، ترجمه توکل، چاپ اول، نقره، ص ۴۴۵.

۱۳. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه منزوی، چاپ اول، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش، ج ۲، ص ۵۷۵؛ نقل از مجله علوم حدیث، ش ۱۲، سال ۴، ش ۲، ص ۱۲۸.

۱۴. مسالک و ممالک اصطخری، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ نقل از مجله علوم حدیث، ش ۱۲، ص ۱۲۸.

عالمی دیگر به این علت که خدمات بزرگی در ری انجام داده یا دیگری به سبب آنکه در زنده نگه داشتن نام و یاد بزرگان ری سهم بسزایی داشته، در همین بخش آمده است.

ملاک دیگر این بنا و سعی آن است که از همه رشته‌های دانش در این بخش کسانانی انتخاب شوند؛ از متکلمان، مفسران، محدثان، فقیهان، فیلسوفان، طبیبان، شاعران و عارفان، هر کدام یک یا چند تن گزیده شده است. البته ری عالمان بزرگ دیگری نیز داشته که چون به شرح حال تفصیلی آنان دسترسی نبود، در این بخش نیامده است.

گاهی در این بخش به سبب دست نیافتن به شرح حال جامع و همه جانبه، از دو منبع استفاده شده که البته هر کدام از منابع، مکمل دیگری است؛ مثلاً در شرح حال سدیدالدین حمصی از سه منبع و در زندگانی ابن قبه از دو منبع استفاده شد که البته هر کدام مکمل دیگری هستند. همچنین برای آگاهی بیشتر خواننده از منابع، گاهی در پایان شرح حال مشاهیر، به مقالات و کتاب‌هایی که درباره شخصیت مورد نظر نوشته شده توجه داده شده است.

#### معاصران

آشنایی با شرح حال معاصران مشکلاتی دارد؛ زیرا هنوز به خوبی و تفصیل، تدوین و منتشر نشده است. دیدار با بستگان و آشنایان، بررسی مراکز اسناد و مدارک و ... فرصت فراوان می‌طلبد. با توجه به این دشواری‌ها، این کتاب، بیشتر از آثار مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شریف رازی بهره برده است. امید است خوانندگان گرامی اطلاعات تکمیلی را در اختیار مؤلف قرار دهند تا در چاپ‌های بعدی کامل‌تر شود.

از امتیازات این اثر کثرت و استقرای نسبتاً کامل درباره شخصیت‌ها و رجال ری است که به صورت الفبایی معرفی شده است. به ویژه تمامی منابع کتاب، با نام نویسندگان در پانویس مشخص شده و هیچ مطلبی بی‌مدرک رها نگشته است.

#### اصحاب امامان

یکی از نشانه‌های ریشه‌دار بودن تشیع در ری، کثرت اصحاب امامان (ع) از اهالی ری است. با توجه به بُعد مسافت ری با محل سکونت ائمه (ع) و فارسی بودن زبان ایرانیان، وجود این تعداد زیاد صحابی و محدث، نشان از اهمیت تشیع و عظمت ری است.

۱۵. احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۳.

۱۶. المسالک والممالک، ابن خرداد به ترجمه قره جانلو، ص ۱۴۷.

۱۷. احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۳.

۱۸. فنوح البلدان، ص ۴۵۰؛ المسالک والممالک، ابن خرداد، ص ۲۸؛ نقل از مجله علوم حدیث، ش ۱۲، ص ۱۲۸، محمد حاجی تقی.

دارای کاروانسراهای نیکو و بازارهای بزرگ؛<sup>۱۵</sup>  
دارای خیابان‌های پهن؛<sup>۱۶</sup>

دارای گرمابه‌های تمیز، مدارس و کتابخانه‌های پرآوازه، میوه‌های بسیار، تجارتی پر سود، آب فراوان و هوای خوش.<sup>۱۷</sup> به علاوه، میزان مالیاتی که اهالی ری در دوره خلافت عباسی می‌پرداختند (ده تا دوازده میلیون درهم) در مقایسه با خراج نیشابور بزرگ‌ترین شهر مشرق خلافت (چهار میلیون درهم)، نشان‌دهنده ری ثروتمند و آباد است.<sup>۱۸</sup>

#### کتاب حاضر

با توجه به اهمیت تاریخ و رجال ری، کمیته علمی کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تألیف و شرح حال بزرگان ری را به نویسنده توانا جناب آقای محسن صادقی پیشنهاد کرد.

بی‌شک، تحقیق و تتبع عمیق و وسیع در حیات و آثار و افکار این بزرگان و نمودن سهم آنان در رشد و گسترش فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، فرصتی فراوان و امکانات قابل توجهی می‌طلبد. ولی به هر حال با محدودیت زمانی نویسنده به بررسی منابع متعدد پرداخت و بر آن شد که عجلتاً گلچینی از آنچه را تا به حال درباره مشاهیر و مفاخر ری گفته‌اند سامان دهد و شرح و تفصیل را به فراغ و فرصتی دیگر وانهد.

در تاریخ ری آثار زیادی نوشته‌اند، ولی در معرفی مفاخر و رجال ایران و اسلام از معاصران بیش از همه حضرت استاد علی دوانی (دامت توفیقاته) خدمت کرد و بیش از نیم قرن در راه زنده نگه داشتن یاد و نام عالمان بزرگ شیعه کوشیده‌اند و آثار پر بار و برگی عرضه کرده‌اند. از این رو جزء اول این کتاب به ایشان تقدیم شده است. در معرفی تهران و ری بیش از همه مرحوم دکتر حسین کریمان تحقیق کرده و قلم زده‌اند، و بدین سبب جزء دوم این اثر به وی تقدیم شده است.

همچنین در شناسایی علما به ویژه بزرگان ری مرحوم حاج شیخ محمد رازی سهم به سزا و وافری دارد و در خور تشکر است. این اثر در دو بخش تدوین شده است: بخش اول، شامل ۳۵۲ صفحه با عنوان مشاهیر ری و بخش دوم در ۲۳۷ صفحه با عنوان مفاخر ری. بخش اول، ویژه شرح حال تفصیلی بیست تن از عالمان بزرگ ری است و بخش دوم معرفی اجمالی ۵۳۵ نفر از مفاخر ری است.

معیار در بخش نخست (مشاهیر) تنها شهرت نیست، بلکه گاهی معیارهای دیگری نیز دخیل بوده است. مثلاً عالم بزرگ شیعی و گمنامی چون منتجب الدین ابو عبدالله رازی مشهور به ابن ابی الفوارس به علت آنکه محدثی قابل و پر تلاش بوده و تاکنون شرح حال گسترده‌اش - به جز در مقدمه رساله «اربعین» ایشان - در جایی نیامده است، در بخش مشاهیر درج شد؛ یا

در این اثر ۵۴ تن از صحابیان امامان معرفی شده اند: دو نفر از یاران امام باقر (ع) یازده نفر از یاران امام صادق شش نفر از یاران حضرت موسی بن جعفر، نه تن از یاوران حضرت امام رضا، هشت تن صحابی امام جواد، یازده تن از یاران امام هادی و چهار نفر هم از یاران امام حسن عسکری (ع).

#### زندگانی نامه مشروح

زندگینامه این بیست نفر به صورت مشروح و تفصیلی در بخش نخست که به «مشاهیر ری» موسوم است به این ترتیب آمده است: ۱. ابن قبه رازی (ص ۱۳)، ۲. ابو حاتم رازی، محمد بن ادریس (ص ۲۲)، ۳. ابو حاتم رازی، احمد بن حمدان (ص ۲۷)، ۴. ابوعلی مسکویه (ص ۳۹)، ۵. ابو الفتح رازی (ص ۶۲)، ۶. ابوالمعالی رازی (ص ۱۰۸)، ۷. بندار رازی (ص ۱۱۴)، ۸. بهاءالدوله رازی (ص ۱۲۳)، ۹. سدیدالدین محمود حمصی (ص ۱۲۹)، ۱۰. عبدالجلیل قزوینی (ص ۱۵۱)، ۱۱. فخرالدین رازی (ص ۱۷۵)، ۱۲. آیه الله حاج سید رضا فیروزآبادی (ص ۲۰۹)، ۱۳. قطب الدین رازی (ص ۲۱۳)، ۱۴. قوامی رازی (ص ۲۲۲)، ۱۵. محمد بن زکریای رازی (ص ۲۵۰)، ۱۶. حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد شریف رازی (ص ۲۶۴)، ۱۷. محدث بزرگوار محمد بن یعقوب کلینی (ص ۲۷۴)، ۱۸. منتجب الدین ابو عبدالله رازی (ص ۲۸۵)، ۱۹. شیخ منتجب الدین علی بن بابویه رازی (ص ۲۹۸)، ۲۰. نجم الدین رازی (ص ۳۲۴).

#### بازار گرم مباحث کلامی

نقاشی می نویسد:

ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی، متکلمی عظیم القدر و خوش عقیده، و در علم کلام نیرومند بود. او نخست از معتزله بود، سپس مستبصر شد و به مذهب شیعه امامیه گروید، و کتاب هایی در علم کلام دارد. حدیث را نیز استماع کرده و «ابن بطه» از وی حدیث اخذ نموده است، و در فهرست خود که در آن استادان و مشایخ حدیث خود را نام برده از ابن قبه یاد کرده و گفته است: «... از محمد بن عبدالرحمن بن قبه، او راست کتاب الانصاف در امامت، و کتاب المستثبت نقض کتاب ابوالقاسم بلخی و کتاب رد بر زیدیه و کتاب رد بر ابوعلی جبائی، و المسألة المفردة در امامت در مجلسی که شیخ مفید استادمان هم حاضر بود از ابوالحسن بن مهلوس علوی شنیدم که گفت:

از ابوالحسن سوسنجردی (ره) که از مفاخر علما و متکلمان شایسته بود و کتابی معروف در امامت دارد، و پنجاه بار پیاده به حج رفته بود، شنیدم که گفت: «بعد از زیارت حضرت رضا (ع) در طوس، برای ملاقات ابوالقاسم بلخی که با من آشنا بود به بلخ

رفتم. وقتی وارد بروی شدم پس از سلام، کتاب ابوجعفر بن قبه را که معروف به الانصاف است و با خود داشتم به نظر او رساندم. ابوالقاسم بلخی پس از مطالعه آن، ردی به نام المستثبت در فی الإمامة بر آن نوشت. من آن را گرفتم و به ری باز گشتم و به ابن قبه تسلیم نمودم.

ابن قبه هم ردی بر آن نوشت به نام المستثبت فی الإمامة. من آن را به بلخ بردم و به ابوالقاسم بلخی نشان دادم و او هم آن را رد کرده به نام نقض المستثبت. چون به ری مراجعت کردم تا رد بلخی را به ابن قبه نشان دهم، معلوم شد که ابن قبه وفات یافته است.<sup>۱۹</sup> قاضی نورالله شوشتری شهید می نویسد: رد ابوالقاسم، الحال در میان نیست. و از روی تأسف می گوید: - این بیچاره کجا بود در آن وقت، تا با قلت بضاعت و عدم فهم و استطاعت، متوسل به ارواح ائمه طاهرین شده، آن نقض او را پیاپی بلخی سازد و در حلقوم شوم او فرستد؟ إنما أشکوبتی و حزنی الی الله<sup>۲۰</sup>

#### مناظرات و محاکمات

«زمانی که ابو حاتم رازی نزد مرداویج از موقعیت مساعدی برخوردار بود، مناظراتی بین او و محمد بن زکریای رازی، در حضور مرداویج صورت گرفت که در مکتب اسماعیلی از لحاظ اثری که بر متفکران بعدی داشت، اهمیت ویژه ای دارد. ابو حاتم شرح این مناظرات و گفتگوهای خود را با رازی در کتاب خویش اعلام النبوة آورده و به ویژه بیشتر به شرح نظریات خود در رد وی پرداخته است. او در این کتاب از رازی به نام یاد نکرده و فقط در اشارت بدو به لفظ «ملحد» اکتفا کرده است.»

پس از مرگ ابو حاتم، اسماعیلیان ایران دچار هرج و مرج شدند و بسیاری از آنان آیین خود را رها کردند... اسفرائینی، جانشینان ابو حاتم را دو تن می داند: محمد بن احمد نسفی در ماوراءالنهر و ابویعقوب سجزی یا سجستانی در سیستان.

ابو حاتم در برخی مسائل با دوست همکیش خود ابو عبدالله محمد بن احمد نسفی اختلافاتی داشت و کتاب الاصلاح را در اصلاح نظریات او - که در المحصول آمده بود - نوشت.

ابویعقوب - شاگرد نسفی - در تأیید کتاب استاد خود المحصول، اثری به نام النصرة تألیف کرد و بعدها حمیدالدین کرمانی در کتاب خویش با عنوان الریاض فی الحکم بین الصادین، صاحب الاصلاح و صاحب النصرة کوشید که بین آرای ابو حاتم و سجستانی موافقتی ایجاد کند. وی در بیشتر موارد حق را به ابو حاتم داده و گه گاه نیز از سجزی دفاع کرده است.<sup>۲۱</sup>

۱۹. بزرگان ری، ج ۱، ص ۱۸؛ نقل از رجال نجاشی، ص ۲۶۵.

۲۰. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۳۸.

قصه‌ای از مفسر بزرگ شیخ ابوالفتوح رازی

... پس از ذکر احوال «مؤلفه قلوبهم» گوید: برای من نیز نظیر همین وقایع روی داده و اجمال آن: من در ایام جوانی در خان معروف به خان علان (در ری ظ) مجلس وعظ و تذکیر همی داشتم و مرا در نزد عامه قبولی عظیم بودی، چنان افتاد که جمعی از یاران من بر من رشک بردند و در نزد والی شهر از من سعایت نمودند. والی مرا از گفتن مجلس منع فرمود و مرا همسایه‌ای بود از اعوان سلطان و آن موقع یکی از ایام عید بود و آن همسایه به عادت امثال خود عزم داشت که به شرب مشغول گردد. چون این حکایت شنید، عزم خود را ترک داده به نزد والی شد و او را از حسد یاران بر من و دروغ بستن ایشان درباره من بی‌گانه‌انید و سپس خود شخصاً آمده مرا از خانه بیرون آورد و به منبر برد و تا آخر مجلس وعظ در پای منبر بنشست. پس من به مردم گفتم: این است معنی آنچه پیغامبر (ص) فرموده که خداوند این دین را (بباشد که) به مرد فاجر توانایی دهد. ۲۲

احیا عند ربهم یُرزقون» ۲۵ و گمان نبر که شهدای راه خدا مرده‌اند بلکه زندگانند و نزد پروردگار روزی می‌خورند.

می‌نویسد: «و بعضی دگر گفتند: آیه در حق شهیدان چاه معونه آمد و قصه این آن بود که ابوبراء عامر ... که سید بنی عامر بن صعصعه بود- به نزدیک رسول آمد به مدینه، رسول (ص) اسلام بر او عرضه کرد، او گفت: ای محمد این دین که تو ما را به آن دعوت می‌کنی دینی نکوست اگر جماعتی صحابه را بفرستی به اهل نجد تا ایشان را دعوت کنند به این دین، امید من چنان است که اجابت کنند. رسول (ص) گفت: من ایمن نباشم بر ایشان که ایشان را به میان قومی کفار فرستم. ابوبراء گفت: در حمایت منند، ایشان را بفرست رسول (ص) منذر بن عمرو را با هفتاد مرد از اخیار مسلمانان بفرستاد از جمله ایشان حارث بن صمّه و حرام بن ملحان و عروة بن اسماء و نافع بن بدیل بن ورقاء الخزاعی- و این مرد از پدران ماست... ۲۶

نگاهی اجمالی به محتوای بخش دوم این اثر

مشاهیر ری شامل ۲۴ تن از ادیبان ری؛ ۵۴ نفر از اصحاب ائمه (ع)؛ ۱۳ نفر از بزرگان حنفیان؛ ۲ نفر از زیدیان؛ ۷۵ نفر از شاعران؛ ۱۰ نفر از شافعیان؛ ۳ نفر از طیبیان؛ ۱۶ نفر از عارفان و صوفیان؛ ۳۴ نفر از عالمان معاصر شیعه؛ ۲۸ تن از فقیهان شیعه؛ ۱۴ نفر از قضات؛ ۳ نفر از کاتبان؛ ۱۶ نفر از متکلمان شیعه؛ ۲۳۳ نفر از محدثان شیعه و سنی؛ ۵ نفر از معتزلیان؛ ۱۰ تن از مفسران و قرآن پژوهان؛ ۲ نفر از منجمان؛ ۱۳ نفر از مورخان؛ ۶ نفر از واعظان و بالاخره ۴ تن از وزیران و والیان.

شرح حال تمامی این افراد در فهرست موضوعی پایان بخش دوم به ترتیب بالا تنظیم شده و به راحتی قابل دستیابی است. گفتنی است، شخصیت‌هایی در این کتاب معرفی شده‌اند که مشهور به یکی از عنوان‌های بالا نیستند از این رو نامشان در این فهرست موضوعی نیامده است.

این کتاب مزین است به فهرست‌های فنی و کارآمد ذیل: فهرست مطالب، موضوعی مفاخر ری، اشعار، کتاب‌ها، کسان، جای‌ها و فهرست منابع و مأخذ.



نمونه‌ای از بلند همتی مردان ری

یکی از دانشمندان بزرگ و فقهای نامی قرن ششم، سدیدالدین محمود بن علی بن حسن حمصی است که از محققان فقها و اعظام متکلمان شیعه به شمار می‌رود. وی قریب به صد سال در جهان زیسته و از خود آثار ذی قیمتی به یادگار گذاشته است. حمصی در پنجاه سالگی شروع به تحصیل کرد و در آن سن و سال با پشت کار عجیب و رنج بسیار به فراگیری علوم متداول عصر پرداخت و چیزی نگذشت که آوازه علم و فضل و نبوغ و تبخّرش در علوم فقه، اصول و کلام در همه جا طنین افکند و علامه زمانه خوانده شد. شیخ منتجب الدین رازی، شاگرد وی می‌نویسد: شیخ امام سدیدالدین محمود بن علی بن حسین حمصی رازی، در اصول عقاید و اصول فقه علامه زمان و دانشمندی پارسا و موثق بود.

ابن ابی طی پس از ستایش بسیار، از قول شیخ منتجب الدین چنین نقل می‌کند: «گویند وی نخودفروش بود. روزی با فقیهی بر سر معامله نخود گفتگویش بالا گرفت و همین باعث شد که نخودفروشی را ترک گوید و به کسب علم اشتغال ورزد ... امام فخرالدین رازی و دیگران شاگرد وی بوده‌اند. صد سال زندگی کرد، در حالی که با مزاج سالم مانند جوانی می‌زیست و بعد از سنه ششصد درگذشت. ۲۳ از وی نه تالیف ارزنده، نام برده‌اند. ۲۴

ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر روض الجنان

وی به تصریح خود از اولاد نافع بن بدیل خزاعی، صحابی معروف حضرت رسول خدا (ص) بوده است. در تفسیر و شأن نزول آیه شهادت: «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل

۲۱. بزرگان ری، ص ۳۱-۳۲.  
 ۲۲. همان، ص ۸۷.  
 ۲۳. همان، جزء اول، ص ۱۳۴-۱۳۵.  
 ۲۴. همان، ص ۱۴۳.  
 ۲۵. آل عمران (۳).  
 ۲۶. بزرگان ری، بخش اول، ص ۶۲-۶۳؛ نقل از تفسیر روض الجنان و روح الجنان، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۱، پیش گفتار.

